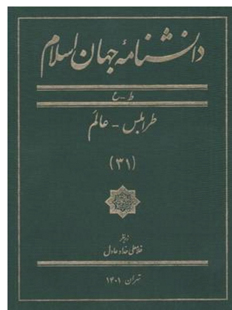


رجال طوسی

پدیدآورنده (ها) : شبیری، سید محمدجواد

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه دانشنامه جهان اسلام :: جلد ۱۹ (ذوالکفل - رشید)

صفحات : از ۵۴۳ تا ۵۵۴

آدرس ثابت : https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1699551

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۹/۱۴



معرفة الرجال، چاپ جواد قیومی اصفهانی، [قم] ۱۴۱۷؛ محمد **عمادی‌حائری**، *بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، تحلیل، نمونه*، تهران ۱۳۸۸ ش؛ محمدبن عمر **کشّی**، *اختیار معرفة الرجال*، [تلخیص] محمدبن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸ ش؛ **کلینی** (بیروت)؛ **مجلسی**؛ **نجاشی**.

/ **حمید باقری** /

رجال طوسی، یکی از کتابهای اصلی رجال شیعه تألیف شیخ‌الطایفه، محمدبن حسن طوسی*. مؤلف در کتاب *فهرست* خود (ص ۴۴۸، نیز ــــ ص ۲۱۰) از این اثر با نام *کتاب الرجال* یاد کرده و در توضیح آن افزوده‌است: «مَن رَوی عَنِ النبی صلی‌اللّه‌علیه‌وآله و الائمةِ الاثْنَیْ عَشَر علیهم‌السلام وَ مَن تأخَّرَ عنهم» (قس همو، *رجال*، ص ۱۷). در *رجال* نجاشی (ص ۴۰۳) هم از این کتاب با همین نام و توضیحی مشابه (با حذف عبارت آخر) یاد شده‌است. در آثار متأخر نیز از این کتاب با این نام مطالبی نقل شده‌است (ــــ ابن‌طاووس، *فرج‌المهموم*، ص ۱۲۱، ۱۳۲؛ محقق حلّی، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۴۱۳؛ همو، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۰۴؛ ابن‌داوود حلّی، ستون ۱، ۳؛ علامه حلّی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۷؛ همو، ۱۴۱۳ـ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۴۷).

ابن‌طاووس (*فلاح‌السائل*، ص ۱۴) و پس از وی علامه حلّی (ــــ محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۱۳۵) از این کتاب با نام *اسماءالرجال* یاد کرده‌اند؛ این نام که برگرفته از تعبیر شیخ‌طوسی در مقدمهٔ کتاب (ص ۱۷) است، دقیق نیست. ابن‌حجر عسقلانی (متوفی ۸۵۲) در *لسان‌المیزان* از این کتاب در بیش از ۳۵۰ موضع با نام *رجال‌الشیعة* و گاهی با نام *رجال‌الامامیة* (ــــ ج ۲، ص ۲۰۹، ۲۵۸) یا *رجال‌الشیعة الامامیة* (ج ۱، ص ۳۳۶، ج ۲، ص ۲۳۴) یا *الشیعة الامامیة* (ج ۱، ص ۲۰، ۵۳) و مانند آن (مثلاً ج ۱، ص ۲۳، ۳۲، ۴۷) نقل کرده‌است. این نامها بسیار نادقیق‌اند، چون کتابی را که به شیعه یا امامیه اختصاص ندارد، مختص این طایفه معرفی می‌کنند (ــــ ادامهٔ مقاله).

علامه بحرالعلوم (ج ۳، ص ۲۳۱) از این کتاب با نام *الابواب* و بغدادی (ج ۲، ستون ۷۲) با نام *الابواب علی طبقات‌الاصحاب* نام برده‌اند؛ هرچند این کتاب براساس ابواب تنظیم شده‌است، دلیلی بر چنین نامگذاریهایی در دست نداریم.

تاریخ دقیق تألیف *رجال* طوسی دانسته نیست، ولی چون در شرح‌حال شریفِ مرتضی (متوفی ۴۳۶) که در باب پایانی کتاب (ص ۴۳۴) قرار دارد، برای توفیق و طول عمر وی دعا شده، می‌توان دریافت که این کتاب در حیات شریف مرتضی تدوین شده‌است (شبیری، ۱۳۷۰ش، ص ۱۶۰). همچنین، چون تاریخ وفات احمدبن عَبدون (۴۲۳) در این کتاب ذکر شده (ــــ ص ۴۱۳)، تاریخ تألیف کتاب در فاصلهٔ سالهای ۴۲۳ تا ۴۳۶ بوده‌است.

قراین دیگری نیز به تخمین دقیق‌تر کمک می‌کند، ازجمله تاریخ تألیف برخی از آثار شیخ‌طوسی و نحوهٔ ارجاع‌دادن وی در آثار خود به دیگر آثارش و مقایسهٔ آن با فهرست کتب وی که در کتاب *فهرست* (ص ۴۴۷ـ۴۵۱) آمده‌است. در این فهرستِ آثار که عمدتاً به ترتیب زمانی تألیف کتابها سامان یافته‌است، کتاب *رجال* هشتمین کتاب است و پس از *تهذیب* و *استبصار* و *عُدّةالاصول* و *تلخیص‌الشافی* قرار دارد. تألیف *عُدةالاصول*، باتوجه به عبارت آغاز آن (ــــ ج ۱، ص ۳)، قبل از *الذریعة الی اصول‌الشریعة** شریف‌مرتضی (نگاشته شده در ۴۳۰) آغاز شده، و تألیف *تلخیص‌الشافی* در رجب ۴۳۲ پایان یافته‌است (ــــ همو، *تلخیص‌الشافی*، ج ۲، جزء ۴، ص ۲۲۷). بنابراین بعید نیست که کتاب *رجال* در همین سالها نگاشته شده باشد.

گفتنی است، یکی از مصادر اصلی باب پایانی *رجال*، *فهرست* طوسی است (ــــ ادامهٔ مقاله) که نام آن بارها در این باب و نیز در باب اصحاب الکاظم علیه‌السلام (ص ۳۳۵) آمده و نشان می‌دهد تألیف *رجال* پس از *فهرست* صورت گرفته‌است. البته در شرح‌حال زُراره در *فهرست* (ص ۲۱۰) اشاره شده‌است که نام خاندان وی در *رجال* ذکر خواهد شد و این نشان می‌دهد شیخ‌طوسی هنگام نگارش این قسمت از *فهرست* در مقام نگارش *رجال* بوده و چه‌بسا تألیف آن را نیز آغاز کرده بوده، لذا نام کتاب *رجال* در فهرست آثار شیخ، قبل از نام کتاب *فهرست* آمده‌است.

افزون بر این، *فهرست* و *رجال* هر دو به درخواست مکرر کسی نوشته شده‌اند که از وی با عنوان «الشیخ‌الفاضل» یاد شده‌است (ــــ طوسی، *فهرست*، ص ۳؛ همو، *رجال*، ص ۱۷). همین شخص تألیف کتابهای *المفصح فی الامامة* (چاپ شده در *الرسائل العشر*، ص ۱۱۷) و *الجمل و العقود* (ص ۳۳) را نیز از او خواسته بوده‌است. از قطب‌الدین راوندی در *حل‌العقود* (ظاهراً *المعقود*) *من الجمل و العقود* نقل شده که مراد از شیخ‌فاضل قاضی ابن‌برّاج (متوفی ۴۸۱) است (ــــ کاظمی، ص ۹). در حاشیهٔ برخی از نسخه‌های قدیم *الجمل و العقود* نیز این مطلب آمده‌است (آقابزرگ طهرانی، ج ۵، ص ۱۴۵؛ نیز ــــ طوسی، *الجمل و العقود*، مقدمهٔ واعظزاده خراسانی، ص ۱۴). این امر نیز تاریخ تقریبی پیشین را تأیید می‌کند، چرا که ابن‌برّاج در اواخر عمر شریف‌مرتضی، از ۴۲۹ تا ۴۳۶، همراه شیخ‌طوسی در درس شریف شرکت می‌کرد، و پس از آن در درس شیخ‌طوسی حاضر شد و در ۴۳۸ به طرابلس شام بازگشت و در آنجا سالها به امر قضا اشتغال داشت و تا زمان وفات در آنجا ماند (افندی اصفهانی، ج ۳، ص ۱۴۲). بنابراین، تاریخ تألیف *رجال*

شیخ را در فاصلهٔ حدود سالهای ۴۳۰ تا ۴۳۶ می‌توان تخمین زد.

در *رجال* طوسی شرح‌حال راویان پیامبر صلی‌اللّه‌علیه‌و آله‌وسلم و دوازده امام معصوم علیهم‌السلام هرکدام در بابی جداگانه نگارش یافته‌است، و باب پایانی کتاب به راویانی اختصاص دارد که در عصر غیبت امام دوازدهم می‌زیستند یا معاصر امامان بودند ولی از ایشان روایت نکرده‌اند. کتاب به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده‌است و در هر باب بابهایی فرعی را از باب «همزه» تا باب «یاء» (با مقدّم داشتن باب واو بر باب ه) دربردارد. پس از آن باب کُنی و باب‌النساء قرار دارد. در باب راویان امام‌صادق علیه‌السلام، قبل از باب‌النساء، بابی با نام «باب مَن لم یُسَمَّ» به راویان مبهم اختصاص دارد (← ص ۳۲۶).

مؤلف در مقدمهٔ کتاب (ص ۱۷) یادآور شده که هرچند کوشیده‌است شرح‌حال همهٔ راویان امامان را در این کتاب گرد آورَد، به‌سبب فراوانی و پراکندگی‌شان در شرق و غرب، این کار امکان ندارد و وی امیدوار است راویانی که ذکر آنها نرفته‌است، اندک باشند.

باتوجه به مقدمهٔ کتاب و بررسی متن آن روشن می‌شود که هیچ ویژگی دیگری در افراد ذکرشده در کتاب، جز روایت‌کردن از معصومان در نظر گرفته نشده‌است. ازاین‌رو، از راویان اهل سنّت و شیعه، راویان امامی و پیروان دیگر فرقه‌های شیعه، و نیز از راویان مؤمن و منافق و ثقه و غیرثقه درکنار هم در این کتاب سخن رفته‌است (ثقةالاسلام تبریزی، ج ۱، ص ۸۵؛ شوشتری، ج ۱، ص ۲۹؛ کلباسی، ج ۱، ص ۱۴۹). نام امیرالمؤمنین و امام‌حسن و امام‌حسین علیهم‌السلام در اصحاب پیامبراکرم و نیز نام هر امام در باب راویان از پدر ایشان (و در مواردی در باب راویان از جدّ آن امام) ذکر شده‌است. در اصحاب پیامبر، نام سلمان، مقداد، جندب‌بن جنادة، ابوذر، و نیز ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه و عمروعاص، و در باب راویان امیرالمؤمنین علیه‌السلام نام سلمان و مقداد و ابوذر و عمار، با وصف ارکان اربعه، درکنار نام زیادبن عبید، عبیداللّه‌بن زیاد، عبداللّه‌بن وهْب راسبی، رئیس خوارج، و عبداللّه‌بن سبأ (با این توضیح: الَّذی رجَع إلی الکفرِ و أظْهرَ الغلوَّ ← کشّی، ص ۱۰۶، ۱۰۸؛ شوشتری، ج ۶، ص ۳۶۷) دیده می‌شود. در بابهای راویان امام باقر و امام صادق علیهماالسلام نام کسانی همچون منصور دوانیقی، ابوالجارود زیادبن مروان، مؤسس مذهب جارودیه، حسن‌بن صالح‌بن حی، مؤسس مذهب صالحیه از زیدیه، ابوحنیفه نعمان‌بن ثابت، مالک‌بن انس و سفیان‌بن سعید ثوری و دیگر فقیهان نامور اهل سنّت، در موارد بسیاری بدون اشاره به مذهب آنان، آورده شده‌است (مثلاً ← ص ۲۲۰، ۳۰۲). همچنین شاهدی وجود ندارد بر اینکه طوسی بنا داشته‌است به امامی نبودن راویانِ مذکور در کتاب تصریح کند تا نبودن چنین تصریحی نشانهٔ امامی‌بودن شخص باشد (قس مامقانی، ج ۳، ص ۴۸، ۵۳، ۶۳، ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۷۸، که غالباً از این افراد با وصف «امامی مجهول» یاد می‌کند).

برخی صحابی یک امام بودن را نشانهٔ اعتقاد درست آن شخص و پیروی وی از امام خود دانسته‌اند (← اعرجی، ج ۱، ص ۱۱۶)، ولی حتی اگر از کلمهٔ «اصحاب» چنین برداشتی شود، *رجال* طوسی به اصحاب امامان اختصاص ندارد بلکه هرکس از پیامبر یا امام حتی یک مورد روایت کرده باشد (← طوسی، *رجال*، ص ۲۴، ۲۸، ۳۵۱؛ نیز ← نوری، ج ۷، ص ۷۹) در موضوع این کتاب قرار دارد و روایت‌کردن از امام، به‌ویژه اگر اندک باشد، به هیچ‌وجه دلیل بر راست‌اعتقادی یا پیروی راوی از امام نیست.

برخی از محدّثان با استناد به عباراتی از بزرگان که در آن اصحاب موثق امام‌صادق علیه‌السلام را چهار هزار تن دانسته‌اند (← مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۷۹؛ فتال نیشابوری، ص ۲۰۷؛ طبرِسی، ج ۱، ص ۵۳۵)، و نیز براساس این گفتهٔ ابن‌شهرآشوب (ج ۴، ص ۲۴۷) که ابن‌عُقده* (متوفی ۳۳۲ یا ۳۳۳) شرح‌حال همهٔ آنها را در *رجال* خود گرد آورده بوده‌است و با این باور که شرح‌حال همهٔ اصحاب امام‌صادق در *رجال* طوسی برگرفته از *رجال* ابن‌عقده‌اند، همهٔ راویان مذکور در این باب را تا زمانی‌که دلیلی بر ضعیف بودن آنها نباشد، ثقه دانسته‌اند (← حرّعاملی، ۱۳۶۲ش، قسم ۱، ص ۸۳؛ همو، ۱۴۰۳، ص ۲۳۲؛ نوری، ج ۷، ص ۷۱؛ و برای پاسخ آن ← کلباسی، ج ۱، ص ۱۵۱؛ خویی، ج ۱، ص ۵۵)؛ اما شرح‌حال همهٔ افراد یادشده در باب اصحاب‌الصادق *رجال* طوسی برگرفته از *رجال* ابن‌عقده نیست (← ادامهٔ مقاله) و در سخنان هیچ‌یک از رجالیان متقدم گفته نشده‌است که *رجال* ابن‌عقده به راویان ثقه اختصاص دارد (مثلاً ← نجاشی، ص ۹۴؛ طوسی، *فهرست*، ص ۶۹). علامه حلّی که در *خلاصةالاقوال* توثیقات (مثلاً ص ۹۳، ۱۰۸ـ۱۰۹، ۱۲۶) و تضعیفاتی (ص ۲۷۱، ۳۴۵) را از ابن‌عقده نقل کرده، در وصف *رجال* او آورده که وی فقط شرح‌حال چهار هزار راوی و روایات آنها را گردآوری کرده‌است (ص ۳۲۲).

در عین حال، آخرین باب به نوعی به راویان شیعی اختصاص دارد و به‌گفتهٔ شوشتری (ج ۱، ص ۲۹) ظاهراً در آن از راویان غیرامامی ذکری نرفته‌است. اما در این باب، نام راویان زیدی همچون ابن‌عقده (← ص ۴۰۹) و عبدالعزیزبن اسحاق (ص ۴۳۲)، راویان واقفی همچون حُمَیْدبن زیاد* (ص ۴۲۱) و بنی‌رباح (ص ۴۱۶)، و راویان غالی یا متهم به غلو و تفویض همچون آدم‌بن محمد قَلانسی (ص ۴۰۷)، احمدبن حسین‌بن سعید (ص ۴۱۵) و طاهربن حاتِم (ص ۴۲۸) دیده می‌شود

(برای فهرست راویان غیرامامی ← ص ۵۸۸ـ۵۹۱). احتمال واقفی‌بودن برخی از استادان حمیدبن زیاد که به مذهب آنها تصریح نشده و در این باب از آنها یاد شده بسیار زیاد است، کسانی همچون احمدبن محمدبن زید خزاعی که حسن‌بن محمدبن سماعه، از واقفیان معروف، بر وی نماز گزارد (← ص ۴۰۸؛ نیز ← نجاشی، ص ۴۲)، و نیز علی‌بن ابراهیم خیاط که ابراهیم‌بن محمد علوی بر او (ص ۴۳۰) و بر حسن‌بن محمدبن سماعه (نجاشی، ص ۴۲) نماز گزارد. بنابراین، به نظر می‌رسد که در باب آخر، راویان امامی مذهب و راویان واقفی و نیز زیدیانی که به نحوی با امامیان ارتباط داشتند یا از مشایخ راویان امامی همچون تَلَّعُکبری* بودند (← ص ۴۳۲) یا با آنها حشرونشر داشتند (ص ۴۰۹) نیز ذکر شده‌اند، حتی اگر به غلو یا تفویض گرایش داشته یا بدان متهم بوده‌اند.

در *رجال* طوسی در هیچ موردی به فَطَحی بودن یک فرد تصریح نشده، هرچند نام راویانی فطحی همچون عبداللّه‌بن بُکَیربن اعین (ص ۲۳۰، ش ۳۱۱۸؛ نیز ← *فهرست*، ص ۳۰۴) و علی‌بن حسن‌بن فضّال (ص ۳۸۹ـ۴۰۰؛ نیز ← *فهرست*، ص ۲۷۲) آمده‌است.

از *رجال* طوسی دو چاپ معروف در دست است، یکی تصحیح محمدصادق آل‌بحرالعلوم (نجف ۱۳۸۱) و دیگری تصحیح جواد قیومی‌اصفهانی (قم ۱۴۱۵).

شمار افراد مذکور در چاپ نخست ۶٬۴۱۷ تن و در چاپ دوم ۶٬۴۲۹ تن است، اما شمار افراد یادشده در این دو چاپ با نسخه‌های خطی معتبر، متفاوت است. در قدیم‌ترین نسخهٔ موجود (تاریخ کتابت: ۲۱ رجب ۵۳۳ به خط محمدبن سراهنگ ← طوسی، *رجال*، ص ۱۶، تصویر نسخهٔ خطی) شمار افراد کمتر است و بنابر محاسبه‌ای تعداد آنها ۶٬۳۴۷ تن است (← شبیری، ۱۳۷۰ش، ص ۱۶۵). این تفاوت ناشی از آن است که در حاشیهٔ نسخه‌ای خطی از *رجال* طوسی (تاریخ کتابت: ۳ شوال ۱۰۲۶) نامهای بسیاری درج شده بوده‌است که بسیاری از آنها به متن چاپهای کتاب راه یافته‌اند، ولی روشن نیست که این نامها از اصل کتاب است یا از افزوده‌های مؤلف. به احتمال قوی، برخی از مراجعه‌کنندگان به نسخه‌های کتاب، نامهای دیگر از راویان امامان را در حاشیهٔ آن نوشته و ناسخان بعدی به گمان اینکه این نامها از کتاب افتاده بوده آنها را در متن وارد کرده‌اند. باب اصحاب امام‌صادق در *رجال* طوسی با ۳٬۱۷۷ تن، بیشترین، و باب اصحاب امام‌حسن با ۴۱ نام، کمترین تعداد راویان را دربردارند (برای آمار بابهای مختلف *رجال* ← شبیری، همانجا). در بابهای نساء، ۶۳ نام و در بابهای کُنی، ۲۱۲ نام و در باب راویان بدون نام (مَنْ لَمْ یُسَمَّ) در بخش اصحاب امام‌صادق، ۱۴ تن ذکر شده‌اند.

در نخستین بابهای کتاب دو اصطلاح ثقه یا ضعیف به‌کار نرفته و کاربرد آنها از باب اصحاب امام‌باقر آغاز شده‌است (برای نمونه ← ص ۱۲۴، ۱۲۶). البته الفاظ مدح همچون اوّل الارکان الاربعة (ص ۶۵)، رابع‌الأرکان (ص ۷۰)، قُتِل مع‌الحسین علیه‌السلام (ص ۲۱) و قُتِلَ مَعَه که در باب اصحاب امام‌حسین بسیار ذکر شده‌است، و الفاظ ذم همچون سَیِّیءالرأی فی علی علیه‌السلام (ص ۲۴)، اِرتدَّ بعدَالنبی صلی‌اللّه‌علیه‌وآله (ص ۲۳)، صاحب التُرَّهات، مَخلِّط (ص ۷۵)، عدوٌّلِله ملعونٌ (ص ۷۶)، ثُمّ صار خارجیاً ملعوناً (ص ۵۷)، و لَحِقَ بمعاویة (ص ۹۵) در این ابواب دیده می‌شود.

توثیق و تضعیف از باب اصحاب امام‌باقر آغاز شده‌است. در این باب پنج تن توثیق شده‌اند و یک تن تضعیف شده‌است. باب اصحاب امام‌صادق تقریباً از توثیق و تضعیف خالی است، و از باب اصحاب امام کاظم توثیق و تضعیف به شکل گسترده مطرح شده‌است.

در این باب، از هشت تن و در باب اصحاب امام‌رضا از یازده تن با عنوان مجهول یاد شده‌است و از باب اصحاب امام‌کاظم راویان غالی یا متهم به غلو معرفی شده‌اند (برای آمار تفکیکی توثیق و تضعیف ← شبیری، ۱۳۷۰ش، ص ۱۶۶، ۱۷۳، ۱۹۵، ۲۰۴، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵؛ و برای نام افراد ثقه و ضعیف و کسانی که به مذاهب فلسفه منسوب شده‌اند ← طوسی، *رجال*، ص ۵۸۳ـ۵۹۱).

گاهی یک نام در چند باب ذکر شده، اما فقط در یک باب توثیق یا تضعیف شده‌است (مثلاً ← ش ۵۵۵۶ و ۵۶۹۹، ۵۸۲۹ و ۵۶۴۷). گاهی تضعیف در دو باب به دو شکل متفاوت آمده‌است (مثلاً ش ۵۱۲۴ و ۵۴۲۳؛ ۵۴۶۴، ۵۷۵۸، ۵۸۸۵، ۶۳۶۱). این تفاوتها ناشی از اختلاف مصادر کتاب در دو باب مختلف بوده و سبب تفاوت شرح‌حال افراد از نظر گستردگی و تنوع اطلاعات شده‌است (← ادامهٔ مقاله).

در باب اصحاب امام‌کاظم علیه‌السلام ۵۶ تن (از ۲۶۳ تن) واقفی معرفی شده‌اند که ظاهراً از کتابی مختص واقفیان همچون کتاب *الرد علی الواقفة* تألیف حسن‌بن موسی خشّاب* گرفته شده‌است (← کشّی، ص ۴۶۶، ۴۶۸ـ۴۶۹، ۵۵۶؛ نجاشی، ص ۴۲)؛ اما به واقفی بودن بسیاری از این افراد در دیگر کتابهای رجالی، حتی در دیگر کتابهای شیخ‌طوسی، اشاره‌ای نشده‌است (مثلاً ← طوسی، *رجال*، ش ۵۱۰۸؛ قس کشّی، ص ۴۳۸؛ نجاشی، ص ۴۰۷؛ طوسی، *فهرست*، ص ۴۵۲ـ۴۵۳)، بلکه برخی از آنها در دیگر کتابها توثیق شده‌اند (مثلاً ← طوسی، *رجال*، ش ۴۹۴۵؛ قس نجاشی، ص ۷۱؛ طوسی، *فهرست*، ص ۳۹ـ ۴۰؛ برای نمونهٔ دیگر ← طوسی، *رجال*، ش ۴۹۷۲؛ قس علامه حلّی، ۱۴۱۷، ص ۳۳۷ـ۳۳۸)، یا در کتب دیگر

تضعیف شده‌اند ولی از واقفی بودن آنها سخنی در میان نیست (ــــ طوسی، *رجال*، ش ۵۰۸۹؛ قس ابن‌غضائری، ص ۷۸؛ نجاشی، ص ۲۲۶). بنابراین، در واقفی بودن این افراد فقط به گزارش *رجال* طوسی نمی‌توان استناد کرد، به‌ویژه آنکه قراین روشنی بر واقفی نبودن بعضی از آنها وجود دارد (ــــ طوسی، *رجال*، ش ۵۰۲۱؛ قس نجاشی، ص ۱۹۳، که وی را به طور مکرر توثیق کرده‌است). دربارهٔ برخی دیگر نیز این احتمال هست که آنها در آغاز پیدایی جریان وقف به آن گرویدند، اما پس از مدت کوتاهی از آن برگشتند، و شیخ‌طوسی در هنگام نگارش این قسمت از *رجال* خود به برگشتن آنان از این جریان اطلاع نیافته بوده‌است (ــــ شبیری زنجانی، درس خارج فقه نکاح، مورخ ۳ مهر ۱۳۷۹؛ شبیری، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۳۴).

از بحثهای مطرح دربارهٔ *رجال* شیخ‌طوسی تکرار نامها است. در این کتاب نام کسانی که از صحابیان دو یا چند معصوم بوده‌اند در همهٔ بابهای مرتبط ذکر شده‌است، مثلاً نام جابربن عبداللّه انصاری* در شش باب (ص ۳۱، ۵۹، ۹۳، ۹۹، ۱۱۱، ۱۲۹)، آمده‌است. ولی در نامهای تکراری دو اشکال دیده می‌شود، یکی تکرار یک نام هم در باب راویان امامان و هم در باب پایانی کتاب و دیگری تکرار یک نام در یک باب.

دربارهٔ اشکال نخست گفتنی است که باب پایانی *رجال*، به تصریح مؤلف (ص ۱۷)، به کسانی اختصاص دارد که در عصر بعد از امام یازدهم می‌زیسته‌اند یا معاصر امامان بوده‌اند، ولی از ایشان روایت نکرده‌اند، پس نام آنها نباید در دیگر بابهای *رجال* تکرار شده باشد. این مشکل را نخستین بار علامه حلّی (۱۴۱۷، ص ۳۱۴ـ۳۱۵) و سپس ابن‌داوود حلّی (ستون ۳۶، ۱۳۳) مطرح کردند و برای حل آن، فرضیهٔ یکی نبودن دو نام ــ اگرچه در حد احتمال ــ را مطرح کردند (قس شوشتری، ج ۱، ص ۲۱۰). پس از آن این بحث اوج گرفت و چندفرض برای حل مشکل مطرح شد (ــــ استرآبادی، ج ۱، ص ۲۹۶؛ بحرالعلوم، ج ۴، ص ۱۴۱ـ۱۴۳، قس ج ۳، ص ۲۸۲ـ۲۸۶؛ اعرجی، ج ۱، ص ۲۵۴؛ نوری، ج ۳، ص ۱۷۵؛ کلباسی، ج ۱، ص ۱۳۴؛ شوشتری، ج ۱، ص ۴۲؛ خویی، ج ۱، ص ۹۷، قس، ج ۳، ص ۳۴۶ـ ۳۴۷، ج ۹، ص ۲۲۷ـ ۲۲۸، ۲۴۹ـ ۲۵۰، ج ۱۳، ص ۲۷۹ـ۲۸۱). چند مقاله نیز در این باره تألیف شده‌است، از جمله محمدرضا حسینی‌جلالی در مقالهٔ «باب من لم یرو عن الائمة علیهم‌السلام فی کتاب *الرجال* الشیخ‌الطوسی» در مجلهٔ *تراثنا* (سال ۲، ش ۲ و ۳، ربیع‌الثانی ـ رمضان ۱۴۰۷، ص ۴۵ـ۱۴۹) و دُریاب نجفی در مقالهٔ «مع‌الطوسی فی رجاله: باب من لم یرو منهم علیهم‌السلام من *رجال* الشیخ‌الطوسی و الجواب علی ما نقض علیه» در مجلهٔ *الفکر الاسلامی* (ش ۲، ربیع‌الآخر ـ جمادی‌الآخره ۱۴۱۴، ص ۹۴ـ۱۲۳) به این موضوع پرداخته‌اند. محمد عبداللّه نیز در مقالهٔ «نقد مقال 'مع الطوسی فی رجاله'» در مجلهٔ *الفکر الاسلامی* (ش ۵، محرّم ـ ربیع‌الاول ۱۴۱۵، ص ۲۰۵ـ۲۱۰) مقالهٔ دریاب نجفی را نقد کرده‌است.

دقت در مصداقهای این اشکال نشان می‌دهد که شیخ‌طوسی بیشتر افراد مذکور در باب آخر رجال را از *فهرست* خود برگرفته بوده‌است (ــــ ادامهٔ مقاله)؛ و به نظر می‌رسد که او دربارهٔ کسانی که در *فهرست* به روایتشان از امامان تصریح نکرده، این ذهنیت را داشته‌است که آنان از امامان روایت نکرده بوده‌اند؛ ازاین‌رو، نام این افراد را در باب آخر آورده‌است. این در حالی است که در هنگام نگارش *رجال* به مصادر تازه‌ای مراجعه کرده که در آنها به روایت این افراد از امامان علیهم‌السلام اشاره شده بوده‌است. بنابراین، کامل نبودن مصادر شیخ‌طوسی در هنگام تألیف *فهرست* و اعتماد به آن سبب بروز چنین اشتباهی در بیشتر موارد گردیده‌است (شبیری، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۸۹).

اشکال دیگر در *رجال* طوسی تکرار نام یک راوی در یک باب است، که سبب آن ترتیب کامل نداشتن نامهای این کتاب است. توضیح اینکه در *رجال* ترتیب الفبایی فقط در آغاز نام راویان رعایت شده و حتی راویان همنام در کنار هم قرار نگرفته‌اند، و همین سبب شده‌است که گاهی در هنگام برگرفتن نامها از دو مصدر به تکراری بودن آنها توجه نشود (شوشتری، ج ۲، ص ۳۱۱؛ خلخالی، ج ۴، ص ۲۷۶). البته گاهی نام تکراری با اختلاف تعبیر همراه است و می‌توان احتمال داد که شیخ‌طوسی آنها را یکی نمی‌دانسته‌است (ــــ ص ۴۰۸، ش ۵۹۴۳، قس ص ۴۱۴، ش ۵۹۹۳ و ص ۱۷۶، ش ۲۰۸۷، قس ص ۱۷۸، ش ۲۱۲۹؛ نیز ــــ شوشتری، ج ۲، ص ۵۵۲). در برخی دیگر یکی بودن دو نفر قطعی نیست لذا به‌رغم احتمال یکی بودن آنها، هر دو نام را درج کرده‌است (شوشتری، ج ۱، ص ۲۰۴؛ برای نمونه ــــ ص ۱۷۸، ش ۲۱۳۴، که احتمالاً با یکی از دو شمارهٔ ۲۱۲۰ و ۲۱۲۱ یکی است). اما در بسیاری از موارد، یکی بودن دو نام قطعی است (برای نشانی گروهی از این نامها ــــ شبیری، ۱۳۷۰ش، ص ۱۹۲). ضمن آنکه گاهی تحریف یک نام در مصادر نخستین موجب تکرار گردیده‌است (مثلاً ص ۱۷۱، ش ۲۰۰۹، قس ص ۳۲۳، ش ۴۸۳۳؛ نیز ــــ دارقطنی، ج ۱، ص ۱۷۵؛ شوشتری، ج ۱، ص ۶۶، ج ۲، ص ۲۷۵). تکرارها در *رجال* طوسی در مقایسه با حجم کلی نامهای ذکرشده در آن اندک است، ولی در قیاس با *رجال* نجاشی بسیار بیشتر است. ازاین‌رو گفته شده‌است، عادت شیخ‌طوسی نقل همهٔ اطلاعات منابع پیشین است، برخلاف نجاشی که عادت وی تحقیق در مطالب است (استرآبادی، ج ۳، ص ۳۵۳). به هر روی، در بررسی یکی بودن یا نبودن عناوین راویان باید به این بحث توجه کرد (ــــ محمدبن حسن‌بن زین‌الدین، ج ۱،

ص ۱۵۶، ج ۳، ص ۴۰۹؛ اردبیلی، ج ۱، ص ۲۰۵؛ مازندرانی حائری، ج ۴، ص ۷۸؛ خویی، ج ۵، ص ۳۴، ۳۷۴). هرچه فاصلهٔ صفحات تکرار دو نام در *رجال* شیخ کمتر باشد، احتمال یکی بودن کمتر است، به همین دلیل، برای بررسی رجالیِ یکی بودن نامها باید به اصل کتاب *رجال* مراجعه کرد و به مطالب نقل شده از آنها در کتب دیگر همچون *جامع‌الرواة*، و *تنقیح‌المقال* و *معجم رجال‌الحدیث* نباید اکتفا نمود. از این جهت، در برخی کتابهای رجالی در این‌گونه بحثها به فاصله داشتن و نداشتن نامها و مقدار فاصلهٔ آنها در *رجال* شیخ‌طوسی توجه شده‌است (مثلاً ← شوشتری، ج ۱، ص ۲۵۸، ج ۲، ص ۱۰۵، ۷۶۷، ج ۸، ص ۲۹۸، ج ۹، ص ۱۴۱؛ مامقانی، ج ۱۳، ص ۲۲۳).

برخی در اعتبار توثیق و تضعیف شیخ‌طوسی به دلیل اختلاف گفتار وی در این زمینه تردید کرده‌اند، اما علمای دیگر این تردید را روا ندانسته و باتوجه به اندک بودن اشتباههای *رجال* آن را معتبر شمرده‌اند (← کلباسی، ج ۱، ص ۱۵۸ـ۱۶۲). درواقع، میزان اعتبار مطالب *رجال* طوسی به میزان اعتبار منابع آن وابسته است، مثلاً آنچه از *فهرست* ابن‌بُطّه اخذ شده‌است (← ادامهٔ مقاله)، باتوجه به سخن نجاشی (ص ۳۷۳) دربارهٔ اشتباههای فراوان آن کتاب، چندان اعتبار ندارد. اما برای اثبات راوی بودن یک فرد، *رجال* طوسی اعتبار لازم را دارد، چون در این خصوص اشتباه چندانی در آن دیده نشده‌است.

گاهی مؤلف منبعی که شیخ‌طوسی به آن اعتماد و از آن نقل کرده، در شناخت امام معصوم که در سند حدیث واقع شده، اشتباه کرده‌است، مثلاً بکربن صالح از اصحاب امام‌باقر علیه‌السلام شمرده شده (← ص ۱۲۷) که ظاهراً اشتباه است، زیرا وی همان بکربن صالح ضَبّی رازی از اصحاب امام‌رضا علیه‌السلام است (← ص ۳۵۳). در برخی روایات نیز بکربن صالح از ابوجعفر روایت می‌کند (← کلینی، ج ۴، ص ۳۵۲؛ طوسی، *تهذیب*، ج ۵، ص ۴۱۲)، که مراد از ابوجعفر به قرینهٔ طبقه و دیگر نقلهای همان روایات یا روایات دیگر، امام‌جواد علیه‌السلام است (← ابن‌بابویه، *مَن لایَحْضُرُه الفقیه*، ج ۲، ص ۳۵۳؛ مفید، ۱۴۰۳، ص ۱۹۱؛ طوسی، *تهذیب*، ج ۵، ص ۳۱۱)، ولی ظاهراً در منبع شیخ‌طوسی، ابوجعفر در این روایات امام‌باقر پنداشته شده و به این دلیل، به‌جای ذکر بکربن صالح در اصحاب امام‌جواد در شمار اصحاب امام‌باقر از او سخن گفته شده‌است (← شوشتری، ج ۲، ص ۳۶۹). در برخی موارد هم به‌سبب محرّف بودن سند اصلی در *رجال* طوسی اشتباه رخ داده، مثلاً نام غیاث‌بن ابراهیم در اصحاب امام‌باقر درج شده (← ص ۱۴۲)، در حالی‌که چنین اطلاعی در جایی دیده نشده‌است؛ بعید نیست در سندی به‌جای «عن جعفر» ــ که غیاث‌بن ابراهیم با آن تعبیر از امام‌صادق روایت دارد (شوشتری، ج ۸، ص ۳۵۳) ــ به اشتباه «عن أبی‌جعفر» ثبت شده و همین سندِ محرّف سبب شده باشد که وی از اصحاب امام‌باقر شمرده شود (نیز ← نجاشی، ص ۳۵؛ شبیری، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۴۲۴).

در باب اصحاب امام‌صادق نام محمدبن ابی‌عُمیر (در نسخ معتبر: عمر) البزّاز بیّاع السابری ذکر و به روایت حسن‌بن محمدبن سماعة از وی تصریح شده‌است (← ص ۲۹۹، ش ۴۳۸۷)؛ حسن‌بن محمدبن سماعة از محمدبن ابی‌عمیر معروف، که از او با وصف بزّاز (← ابن‌بابویه، *من لایحضره الفقیه*، ج ۳، ص ۱۹۰؛ همو، *علل‌الشرایع*، ج ۲، ص ۵۲۹) و بیاع‌السابری (کلینی، ج ۵، ص ۴۴۸، ج ۸، ص ۱۱۰، ۳۳۱) یاد شده، بسیار روایت کرده‌است. اما ابن‌ابی‌عمیر از اصحاب امام صادق نیست و ظاهراً مأخذ طوسی در این خصوص به سندی اعتماد کرده که در آن افتادگی (و چه‌بسا تحریف) رخ داده یا این شخص را با شخصی همنام وی اشتباه گرفته‌است (← خویی، ج ۱۴، ص ۲۷۹ـ۲۸۰؛ شوشتری، ج ۹، ص ۳۹) مشابه همین امر موجب شده که حسن‌بن محمدبن سماعة (متوفی ۲۶۳) نیز به اشتباه در عداد اصحاب امام‌کاظم درج شود (← طوسی، *رجال*، ص ۳۳۵، ش ۴۹۹۴)؛ یعنی مأخذ طوسی به برخی اسناد تحریف شده یا برخی روایات مرسل اعتماد داشته‌است. احتمال دیگر آن است که نام حسن‌بن محمدبن سماعه، که از بزرگان واقفه بوده، در کنار نام واقفیانی از اصحاب امام‌کاظم قرار گرفته و به اشتباه از اصحاب ایشان انگاشته شده‌است (← شوشتری، ج ۳، ص ۳۶۴).

استناد شیخ‌طوسی در *رجال* به نسخهٔ تحریف‌شدهٔ *رجال* کشّی یا به خطاهای این کتاب که براثر تحریف مصادر آن رخ داده نیز اشتباهاتی را سبب شده‌است (همان، ج ۱، ص ۵۳)؛ ازجمله نام بردن از دو تن به نام حفص‌بن عَمرو و محمدبن حفص‌بن عمرو در زمرهٔ اصحاب امام عسکری علیه‌السلام (← ص ۳۹۸، ش ۵۸۴۴، ص ۴۰۲، ش ۵۸۹۶؛ قس کشّی، ص ۵۳۱ـ۵۳۲) که این دو نام تحریف‌شدهٔ نامهای عثمان‌بن سعید و فرزندش محمدبن عثمان، نایبان خاص امام زمان عجل‌اللّه‌فرجه، است (شوشتری، ج ۳، ص ۵۸۶، ج ۹، ص ۲۳۱). با این حال، این‌گونه اشتباهات در *رجال* طوسی اندک است و بنابراین اگر کسی را در بابی از بابهای راویان امامان ذکر کرده‌باشد، برای اثبات راوی بودن وی می‌توان بدان استناد کرد، اما از این کتاب برای نفی راوی بودن کسانی که در اصحاب امامان از آنها سخن نرفته‌است، نمی‌توان بهره جست. زیرا هرچند شیخ‌طوسی درصدد گردآوری اطلاعات دربارهٔ همهٔ راویان معصومان بوده‌است، با مراجعه به کتب حدیث به نامهای بسیاری برمی‌خوریم که به *رجال* وی منتقل نشده‌اند. حتی در

کتاب *تهذیب‌الاحکام** که نخستین اثر طوسی است و تألیف آن در زمان شیخ‌مفید (متوفی ۴۱۳) آغاز شده‌است، راویان زیادی وجود دارند که در *رجال* شیخ نام آنـان نـیامده‌است. ایـن نکـته نشان می‌دهد که طوسی، خود، کتب حدیث را بررسی نکرده و بنا بر قراین، در مقام تألیف *رجال* فـقط اطـلاعات کـتب رجـالی پیشین را گرد آورده‌است. از این‌جهت جز باب اصحاب‌الصادق علیه‌السلام، در بابهای دیگـر کـه مـنبعی جـامع دربـارهٔ راویـان معصومان در اختیار شیخ‌طوسی نـبوده، راویـانِ از قـلم افـتاده بسیارند؛ به‌ویژه در باب اصحاب پیامبر اکرم، که نامهای ذکر شده بسیار کم است. در این باب فقط ۴۶۹ نام دیده می‌شود، در حالی که در *اُسْدالغابة* اثر ابن‌اثیر (مـتوفی ۶۳۰)، ۷٬۷۰۳ نـام دیـده می‌شود، هرچند همهٔ آنها از پـیامبر روایت نکـرده‌انـد. بـه نـظر می‌رسد طوسی از آثار مختص شناخت صحابیان پیامبر، کتابی در اختیار نداشته‌است.

درخصوص اصحاب امام‌صادق، طوسی از *رجال* ابـن‌عُقده کـه آن را کـتابی جـامع خـوانـده، بـهره بـرده‌است. او نـخست اطلاعات آن کتاب را آورده و سـپس اطـلاعات دیگـر را بـدان افزوده‌است. شناخت راویان یادشده در باب اصحاب امام صادق که اطلاعات آنها از *رجال* ابن‌عقده گرفته شده، درگرو دقت در شیوهٔ تنظیم این باب است، که در آن، بـرخـلاف دیگـر بـابهای کتاب، ترتیب خاصی دیده می‌شود، توضیح اینکه در این باب، ذیل هر یک از حروف الفبا، افراد همنام به روش خاصی در کنار هم ذکر شده‌اند. اما این ترتیب تا پایان ادامه نـیافته و نـامهایی بدون ترتیب خاص آورده شده‌است که حاکی از تغییر منبع است و تصادفی نیست. براین‌اساس، به نظر می‌رسد ذیل هـر یک از حروف الفبای این باب، نامهایی که به‌ترتیب ویژه‌ای درج شده‌اند از *رجال* ابن‌عقده برگرفته شده‌اند و نامهای پایانی برگرفته از منبع یا منابع دیگر است. از مقایسهٔ دستهٔ دوم نامها با *رجـال* بـرقی، منسوب به احمدبن محمدبن خالد برقی*، روشن مـی‌شود کـه منبع اصـلی *رجـال* طـوسی در ایـن دسـته از نـامها، آن کـتاب بوده‌است (برای تفصیل ← شبیری، ۱۳۷۰ش، ص ۱۷۴ـ۱۹۰). به نظر خـویی (ج ۱، ص ۵۹)، طـوسی در ایـن بـاب از کـتاب *زیادات* ابن‌نوح سیرافی* (قرن چهارم و پـنجم) کـه مسـتدرکی بوده بر *رجال* ابن‌عقده، بهره جسته است. اما هرچند در مواضعی از *رجال* طوسی بارها عبارت «رَویٰ عنه ابن‌نوح» قید شده‌است (مثلاً ص ۴۱۳، ۴۲۰، ۴۲۵، ۴۴۶)، این امر دلیلی بر آنکـه وی کتاب یا کتابهای ابن‌نوح را در اختیار داشته، نیست، بلکه ممکن است او این شرح‌حالها را از اجازه‌های برخی از مشایخ خود اخذ کرده باشد که از شاگردان ابـن‌نوح بـودند. از عـبارت *فـهرست* طوسی در شرح‌حال ابن‌نوح (ص ۸۷) برمی‌آید که کتب ابن‌نوح به‌صورت مسـوّده مـانده و وی در هـنگام تألیـف *فـهرست* بـه هیچ‌یک از آنها، حتی به مسوّده‌ها، دسترسی نداشته‌است و هیچ شاهدی نداریم بر اینکه در هنگام تألیف *رجال* بـه ایـن کـتابها، به‌ویژه به کتاب *زیادات* دست یافته بوده‌است. جداسازی نامهای برگرفته از *رجال* ابن‌عقده و نامهای دیگر، فواید رجـالی مـهمی دربردارد، ازجمله معلوم می‌شود که *رجال* ابن‌عقده کمی کمتر از سه هزار نام را در برداشته و این سخن که در آن نام چهار هـزار راوی از راویان امام‌صادق درج شده بـوده‌است، سـخن دقـیقی نیست؛ ممکن است مـجموع راویـان مـذکور در ایـن کـتاب و *زیادات* ابن‌نوح به چهار هزار تن برسد. دانسـتن تـعداد نـامهای *رجال* ابن‌عقده در بررسی این سخن که همهٔ *رجال* ابن‌عقده ثقه بوده‌اند، مؤثر است. با تفکیک نامهای باب اصحاب امام‌صادق نادرستی این سخن که اطلاعات راجع به همهٔ افـرادِ مـذکور در این باب از *رجال* ابن‌عقده گرفته شده و از ایـن راه وثـاقت آنـها نتیجه گرفته شده‌است، آشکارتر می‌گردد.

یکـی دیگـر از فـوایـد مـهم جـداسـازی نـامهای *رجـال* شیخ‌طوسی در بـاب اصـحاب امـام‌صادق، تأثـیر آن در تـفسیر عبارت «اسند عنه» در این باب است. این عبارت بنابر نسخه‌های معتبر *رجال* طوسی در ۲۸۷ مورد به‌کار رفته که همگی در باب اصحاب امام‌صادق و در نامهای برگرفته از *رجال* ابن‌عقده است؛ فقط یکی از موارد آن در باب اصحاب امام‌باقر علیه‌السلام است (← ص ۱۳۳، ش ۱۳۶۰) که آن هم در باب اصحاب امام‌صادق تکرار شده‌است (← ص ۱۸۷، ش ۲۲۹۶). از این جـهت، ایـن عبارت با *رجال* ابن‌عقده ارتباط خاصی دارد. گفتنی است که در نسخهٔ چاپی *رجال* طوسی این عبارت ۳۵۰ بار آمده که برخی از موارد آن در بابهای اصحاب دیگر امامان است (مثلاً به‌ویژه در اصحاب امام‌رضا هفت بار)، ولی این افـزوده‌ها در نسـخه‌های خطی معتبر *رجال* طوسی وجـود نـدارد (شـبیری، ۱۳۷۰ش، ص ۱۹۱؛ نیز ← صدر، ص ۴۰۰؛ مازندرانی حائری، ج ۱، ص ۷۶؛ کلباسی، ج ۲، ص ۱۶۵؛ قس خویی، ج ۱، ص ۱۰۷ـ ۱۰۸).

دربارهٔ عبارت «اسند عنه» بحثهای بسیار شده‌است، اینکه آیا این فعل به صیغهٔ مـعلوم است (اَسْـنَدَ) یـا بـه صـیغهٔ مـجهول (اُسنِدَ)؟ مرجع ضمیر مستتر در فعل و مرجع ضـمیر در «عـنه» کدام است؟ آیا عبارت از الفاظ مدح است یا از الفاظ ذم یا دلالتی بر مدح یا ذم راوی ندارد (برای نمونه ← میرداماد، *اثنی عشـر رسـالة*، ص ۲۸؛ مـحمدتقی مـجلسی، ج ۱۴، ص ۶۴، ۳۶۹؛ محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۶ـ۱۴۰۷، ج۵، ص۶۰۵، ج ۱۲، ص ۶۶، ج ۱۴، ص ۱۳۶، ۲۲۶؛ محمدباقر بهبهانی، ص ۳۱؛ نوری، ج ۳، ص ۴۹۴، ج ۴، ص ۱۹۱، ج ۵، ص ۲۷۰؛ شوشتری، ج ۱، ص ۸۱؛ نیز ← محمدرضا حسینی‌جلالی، ۱۴۰۶، ص ۹۸ـ ۱۵۴؛ دُریاب نجفی، ص ۱۳۸ـ۱۸۲). برخی این نظر را برگزیده‌اند که طوسی در *رجال* روش ویژه‌ای داشته و از باب اصحاب‌الباقر علیه‌السلام

به بعد، همهٔ اصحاب‌الروایة، و نه فقط اصحاب‌اللقاء، را در این کتاب آورده‌است. آنان با این قول، ناسازگاری پاره‌ای از کلمات طوسی با کلمات دیگر وی یا دیگر رجالیان را برطرف ساخته‌اند (میرداماد، *الرواشح*، ص ۱۰۸؛ بحرالعلوم، ج ۳، ص ۲۸۱؛ برای نقد این نظر به‌ویژه ← آقامحمدعلی بهبهانی، ج ۲، ص ۳۴۶؛ کلباسی، ج ۱، ۱۴۰، ج ۲، ص ۱۶۶).

با مراجعه به *لسان‌المیزان* ابن‌حجر عسقلانی که در جایی تعبیر «اسند عنه» را به «اسند عن جعفرالصادق» تبدیل (← ج ۱، ص ۵۸، ش ۱۴۴؛ قس طوسی، *رجال*، ص ۱۵۷، ش ۱۷۳۶)، و مشابه آن را از علی‌بن حَکَم نقل کرده (ج ۲، ص ۱۹۰، ش ۱۸۶۶) و از طوسی نیز عبارت «اَسْنَدَ عن أبی‌جعفر الباقر» را آورده‌است (ج ۲، ص ۳۳۱) و با توجه به کاربرد مشابه آن در کتب اهل سنّت (مثلاً ← خطیب بغدادی، ج ۳، ص ۴۲۱، ج ۴، ص ۸۹، ج ۷، ص ۵۳۲، ج ۸، ص ۱۶۸، ج ۱۱، ص ۳۰۱، ج ۱۴، ص ۱۱۱)، درمی‌یابیم که مراد از این تعبیر، نقل روایتِ مسند از پیامبر اکرم صلی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلم توسط راوی از طریق امام معصوم (مثلاً امام‌صادق) است، و فعل «اسند» به صیغهٔ معلوم و فاعل آن همان شخصی است که این عبارت در شرح‌حال وی آمده و مرجع ضمیر در «عنه» امامی است که این عبارت در باب متعلق به اصحاب وی نقل شده‌است.

برای بیشتر روشن‌شدن این سخن باید گفت از گرایشهای محدّثان سدهٔ چهارم و پنجم گردآوری احادیث مسند از پیامبر بوده‌است. از آن میان، مثلاً ابن‌عقده *مُسند عبداللّه‌بن بُکَیْر** و کتاب *أخبار ابی‌حنیفه و مُسْنَدُه* را تألیف کرده (← نجاشی، ص ۹۴؛ طوسی، *فهرست*، ص ۶۹) و ابونُعَیم اصفهانی (متوفی ۴۳۰)، از معاصران طوسی کتابی با نام *مسند ابی‌حنیفه* شامل روایات مسند ابوحنیفه از مشایخ خود از پیامبر را گرد آورده بوده‌است؛ ظاهراً یکی از منابع وی، کتاب ابن‌عقده بوده، و به همین دلیل نام ابن‌عقده در آن بسیار ذکر شده‌است (← ص ۳۱، ۳۷، ۴۷، ۵۹، ۶۸، ۹۶، ۱۱۷، ۱۵۴، ۱۶۱، ۲۴۹، ۲۷۱، ۲۷۳). ابونعیم در این کتاب (ص ۱۲۸) عبارت «اسند عنه» را در همان معنای پیشگفته به کاربرده‌است. در جایی دیگر از کتاب (ص ۶۵) نیز اِسناد در مقابل حکایت قرار گرفته‌است: «حَکیٰ عنه و لم یُسْنِد عنه»، که دقیقاً به همان معناست (نیز ← ص ۱۰۵). به نظر می‌رسد این اصطلاح در کتاب ابونعیم و منبع آن، کتاب ابن‌عقده، به یک معنا به کار رفته‌است. به این دلیل، عبارت «اسند عنه» در *رجال* طوسی هم، به‌معنای نقل حدیث مسند از پیامبر توسط راوی از طریق امام‌صادق است. احتمال دارد این عبارت از *رجال* ابن‌عقده به *رجال* شیخ‌طوسی منتقل شده‌باشد، همچنین این احتمال هست که شیخ‌طوسی در هنگام استفاده از *رجال* ابن‌عقده، که در آن ضمن شرح‌حال هر راوی

روایت وی را نیز نقل کرده‌است (علامه حلّی، ۱۴۱۷، ص ۳۲۱ـ۳۲۲)، چنانچه حدیثِ نقل شده در کتاب ابن‌عقده به شکل مسند از پیامبر روایت شده بوده، با آوردن عبارت «اسند عنه» بدان اشاره کرده‌است.

گفتنی است در *رجال* ابن‌عقده اگر راوی از امام‌باقر هم روایت داشته، بدان اشاره شده‌است (← ابن‌عقده*). به همین دلیل، دارقطنی (ج ۲، ص ۸۳۱) از این کتاب با عنوان *فیمن رَویٰ عن ابی‌جعفر و ابی‌عبداللّه جعفربن محمد* یاد کرده‌است (قس ابن‌حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۳۹۹). حال با ملاحظهٔ بسیاری از نامهای باب اصحاب امام‌باقر در *رجال* طوسی، که به همان ترتیب در باب اصحاب امام‌صادق نیز آمده‌اند، روشن می‌شود که یکی از منابع طوسی در این باب نیز *رجال* ابن‌عقده بوده‌است (مثلاً ← ص ۱۳۵، از ش ۱۴۰۶ تا ۱۴۱۴ که دقیقاً با همان ترتیب در ش ۲۶۵۵، ۲۶۵۶، ۲۶۸۴، ۲۶۸۵، ۲۶۸۸، ۲۶۹۶، ۲۶۹۸، ۲۷۰۱، ۲۷۰۲ نیز آمده‌است).

یگانه منبعی که طوسی به آن تصریح کرده، *رجال* ابن‌عقده است (← طوسی، *رجال*، ص ۱۷). از دیگر مآخذ این کتاب، *رجال* برقی است که در بابهای اصحاب امام‌باقر تا اصحاب امام‌حسن‌عسکری از آن استفاده کرده‌است (← شبیری‌زنجانی، ج ۲، ص ۵۳؛ برای جزئیات نسبت *رجال* طوسی با *رجال* برقی ← شبیری، ۱۳۷۰ش، ص ۱۹۹). در باب اصحاب پیامبر اکرم از *رجال* شیخ‌طوسی، مطالبی از ابن‌عقده نقل شده (← ص ۴۸، ش ۳۸۸ و ۳۹۵) که باید از کتاب تاریخ وی برگرفته شده باشد (← نجاشی، همانجا؛ طوسی، *فهرست*، ص ۶۸). در این باب همچنین سخنانی از بغوی (← ص ۲۴)، بخاری (چند بار از جمله ص ۲۵ و به تصحیف بخاری به *الغارات* در ص ۲۸، ش ۹۲)، احمدبن حنبل (ص ۳۲) و محمدبن اسحاق (ص ۳۳) نقل شده که به‌نظر می‌رسد، مستقیم یا غیرمستقیم، از کتابهای آنان اخذ شده‌است.

در باب اصحاب امیرمؤمنان علیه‌السلام مطلبی از کشّی نقل و نقد شده‌است (← ص ۸۱) که باید از اصل *رجال* او گرفته شده‌باشد (← طوسی، *فهرست*، ص ۳۸۱؛ شوشتری، ج ۸، ص ۶۱۷). در این باب (ص ۶۸) و در باب اصحاب امام‌حسن‌مجتبی علیه‌السلام از سعدبن عبداللّه اشعری (ص ۹۶، نیز ← ص ۱۰۶؛ شوشتری، ج ۱۲، ص ۳۱۳) مطلبی نقل شده که احتمالاً از کتاب *طبقات‌الشیعة* وی گرفته شده (← نجاشی، ص ۳۴۱، ۴۳۶)، البته در باب اصحاب امام‌رضا علیه‌السلام هم مطلبی از او نقل شده (ص ۳۵۱) که ظاهراً برگرفته از *رجال* برقی است (شبیری، ۱۳۷۰ش، ص ۲۰۹). در باب اصحاب امام‌باقر از علی‌بن حسن‌بن فضّال مطلبی نقل شده‌است (← ص ۱۲۷) که باید برگرفته از کتاب *رجال* وی باشد (← همو، *فهرست*،

ص ۲۷۳) که در آن زمان نزد استادان خوانده می‌شد (نجاشی، ص ۲۵۹؛ نیز ← طوسی، *فهرست*، همانجا). در شرح‌حال جابر جُعفی (ص ۱۲۹) از ابن‌حنبل، یحیی‌بن مَعین و قتیبی مطالبی نقل شده که احتمالاً نقل باواسطه بوده‌است.

در باب اصحاب امام‌جواد علیه‌السلام از فضل‌بن شاذان مطلبی نقل شده (← ص ۳۷۹، ش ۵۶۱۹)، و در بابهای اصحاب امام‌هادی و امام‌عسکری علیه‌السلام پاره‌ای نقلیات ظاهراً برگرفته از اصل *رجال کشّی* است (ص ۳۸۶، ش ۵۶۸۲؛ قس نجاشی، ص ۴۴ و ص ۳۹۸، ش ۵۸۳۸؛ قس نجاشی، ص ۴۵).

در باب اصحاب امام‌هادی مطلبی هست (← ص ۳۸۶، ش ۵۶۹۰) که سخنی نزدیک به آن در *فهرست* ابن‌ندیم (ج ۱، جزء ۲، ص ۶۸۹) دیده می‌شود (نیز ← طوسی، *فهرست*، ص ۱۸۳، به نقل از ابن‌ندیم و کشّی). در باب اصحاب امام‌حسن‌عسکری نیز مطلبی از ابن‌قولویه نقل و نقد شده‌است (← ص ۳۹۸، ش ۵۸۴۵؛ قس *فهرست*، ص ۱۰۹).

در فصل متعلق به کسانی که از امامان روایت نکرده‌اند، مجموعه‌های منظم از نامها دیده می‌شود که معرف مأخذ طوسی در این باب است. مثلاً شخصیتهای شهرها و مناطق شرقی مثل سمرقند و سرخس و بلخ (ش ۵۹۲۱ تا ۵۹۳۶ و ۶۲۸۲ تا ۶۲۹۶) که مأخذ آن احتمالاً اصل *رجال کشّی* است. چند شرح‌حال پی در پی به روایتهای حُمَیدبن زیاد و مشایخ او اختصاص یافته (مثلاً از ش ۵۹۳۷ تا ۵۹۴۵ و ۶۱۷۱ تا ۶۱۷۸) که از *فهرست* حمید نقل شده‌است (← نجاشی، ص ۲۳۲، ۲۵۷).

در گروهی از شرح‌حالهای پی در پی به روایت تَلّعُکبری از صاحب شرح حال و کیفیت و برخی جزئیات آن اشاره شده‌است (مثلاً از ش ۵۹۴۶ تا ۵۹۶۹ و ۶۰۵۲ تا ۶۰۵۵). منبع این شرح‌حالها، مشیخهٔ هارون‌بن موسی تلّعکبری* است که نام آن در *لسان‌المیزان* آمده‌است (← ابن‌حجرعسقلانی، ج ۱، ص ۱۴۵، ۲۲۵، ج ۲، ص ۱۹۲؛ قس طوسی، *رجال*، ص ۴۱۲، ش ۵۹۶۴). گفتنی است که آقابزرگ طهرانی (ج ۲۱، ص ۷۱، نیز ← ج ۱۰، ص ۱۴۲) نیز از مشیخهٔ تلّعکبری یاد کرده و مراد او کتابی است که سیدکمال‌الدین عاملی در ۱۰۹۹ از *منهج‌المقال* استرآبادی (متوفی ۱۰۲۶ یا ۱۰۲۸) استخراج کرد و علی‌القاعده همه یا بخش اعظم آن همین منقولات شیخ‌طوسی است.

شماری از کسانی که شرح‌حال آنها درج شده با ابن‌بابویه ارتباط خاصی دارند و به قراینی ظاهراً این شرح‌حالها از *فهرست* ابن‌بابویه گرفته شده‌است. همهٔ تضعیفات این باب از *رجال* طوسی (ازجمله ص ۴۱۲، ش ۵۹۷۳ و ۵۹۷۴، ص ۴۳۸، ش ۶۲۶۳ تا ۶۲۶۷) از مواردی‌اند که ابن‌ولید، و به‌تبع وی ابن‌بابویه، از *نوادرالحکمهٔ* محمدبن احمدبن یحیی اشعری استثنا و از نقل روایات ایشان خودداری کرده‌اند (برای یک مورد متفاوت ← ص ۴۱۴، ش ۵۹۹۴). شیخ‌طوسی این تضعیفات را از ابن‌ولید نقل نکرده، بلکه آنها را به ابن‌بابویه نسبت داده‌است (← همو، *فهرست*، ص ۴۱۰، نیز ← ص ۴۰۲، ۵۱۲)؛ بنابراین، منبع وی *فهرست* ابن‌بابویه بوده‌است نه *فهرست* ابن‌ولید.

منبع گروهی از شرح‌حالهای پی در پی بابِ پیشگفته (برای نمونه ← باب الف، ش ۵۹۸۱ تا ۵۹۸۹، باب میم، ش ۶۳۳۹ تا ۶۳۵۲)، بنا بر قراین، اجازه یا اجازه‌های برخی از مشایخ طوسی ازجمله حسین‌بن عبیداللّه غضائری (← ص ۴۲۵، ش ۶۱۱۷) و احمدبن عَبدون (ص ۴۱۳ـ۴۱۴، ش ۵۹۸۸) بوده‌است. افزون بر این، از شریف مرتضی و شیخ‌مفید، نیز در این باب یاد شده‌است (← ص ۴۳۴، ۴۴۹). در این باب، در بیش از سی مورد طریق طوسی به افرادْ ذکر شده که به‌نظر می‌رسد از اجازه‌های مشایخ حدیث برگرفته شده‌است. از معاصران طوسی، فقط نام ابوالصلاح حلبی (متولد ۳۷۴) آمده و در آن به شاگردی وی نزد مؤلف و سیدمرتضی تصریح شده‌است.

از منابع *رجال* طوسی که ۲۷ بار در همین باب آخر و یک بار در باب اصحاب امام‌کاظم علیه‌السلام (← ص ۳۳۵، ش ۴۹۹۴) به نام آن تصریح شده، *فهرست* مؤلف است. اما شرح‌حالهای برگرفته از *فهرست* بسیار بیشتر از این است. این مطلب را یکسانی ترتیب شرح‌حالهای مشابه در این دو کتاب روشن می‌سازد، مثلاً در باب الف، از ش ۵۹۹۰ تا آخر باب (ش ۶۰۲۸)، دقیقاً به همان ترتیب در *فهرست* شیخ آمده‌است که نشان می‌دهد شیخ‌طوسی در *رجال* خود برگزیده‌ای از نامهای فهرست و چکیده‌ای از شرح‌حال ایشان را ذکر کرده‌است.

برای گزینش نامهایی از *فهرست* و درج آنها در این باب ملاکهایی در مدنظر بوده‌است، همچون روایت نکردن از امامان (که البته، چنانکه بیشتر گفته شد، گاهی استناد به تصریح نشدن به این امر در *فهرست* سبب اشتباه مؤلف شده‌است)؛ شیعه بودن که ازاین‌رو، از راویان غیرشیعه یاد نشده‌است (← طوسی، *فهرست*، ص ۱۰، ش ۴، ص ۴۲۴، ش ۶۵۵، ص ۴۷۰، ش ۷۵۲)؛ راوی بودن که از این جهت، اشخاص صرفاً متکلم برگزیده نشده‌اند (← همان، ص ۳۱، ش ۳۶، ص ۲۵۵، ش ۳۷۱، ص ۴۷۳، ش ۷۶۰)؛ و تکراری نبودن، هرچند که گاهی در این‌باره غفلت شده‌است (← *رجال*، ص ۴۴۵، ش ۶۳۲۹، ص ۴۴۸، ش ۶۳۶۹). درمجموع، حدود یک سوم نامهای این باب برگرفته از *فهرست* است؛ پاره‌ای از منابع *فهرست* همچون *فهرست* ابن‌بُطّه هم از منابع با واسطهٔ *رجال* به‌شمار می‌آیند.

تنوع مطالب منابع *رجال* طوسی سبب تنوع مطالب کتاب گردیده، زیرا این کتاب بیشتر، مطالب مذکور در منابع رجالی پیشین را منعکس می‌سازد. همین نکته سبب شده‌است که یک

راوی در بابهای مختلف به شکلهای گوناگون معرفی شود. تمایل حُمَیْدبن زیاد به ذکر برخی جزئیات دربارهٔ افراد، مثل تاریخ درگذشت و کیفیت دفن، سبب شده‌است که اطلاعات *رجال* طوسی دربارهٔ افرادی که مأخذ شرح‌حالشان *رجال* حمیدبن زیاد است، مشابه هم باشد. به‌علاوه، انعکاس مطالب منابع متقدم سبب شده‌است که برخی افراد در *رجال* شیخ‌طوسی توثیق شوند، اما دربارهٔ افراد دیگری دقیقاً با همان خصوصیات، سکوت اختیار گردد. اختلاف‌نظر طوسی در پاره‌ای مطالب *رجال* با نظر وی در *فهرست* یا کتب دیگر وی در پاره‌ای موارد (برای نمونه ← *رجال*، ص ۳۸۷، ش ۵۶۹۹؛ قس *فهرست*، ص ۲۲۸، ش ۳۳۹؛ *استبصار*، ج ۳، ص ۲۶۱) نیز بیشتر به اختلاف دیدگاه مآخذ این کتابها بازمی‌گردد.

نجاشی (ص ۴۰۳) در شرح‌حال شیخ‌طوسی، نام *رجال* را همراه نام *فهرست* وی درج کرده‌است، ازاین‌رو، برخی تألیف *رجال* نجاشی را پس از این دو کتاب دانسته و آن را از دلایل ترجیح کلام نجاشی بر کلام شیخ‌طوسی در مواقع اختلاف شمرده‌اند (← بحرالعلوم، ج ۲، ص ۴۶). ولی هیچ شاهدی در دست نیست که نجاشی هنگام نگارش کتاب *رجال* خود به *رجال* طوسی دسترسی داشته‌است و بدان مراجعه کرده، بلکه ممکن است پس از تألیف *رجال* نجاشی، نام *رجال* طوسی در شرح‌حال وی افزوده شده باشد (← *رجال* نجاشی*).

سیداحمدبن طاووس (متوفی ۶۷۳) نام راویانی را که مدح یا ذم شده‌اند از پنج کتاب اصلی رجال که *رجال* طوسی نیز یکی از آنهاست، در کتاب *حلّ الاشکال* گرد آورده‌است (صاحب معالم، ۱۴۱۱، ص ۴) و علامه حلّی، شاگرد وی، نیز مطالب این کتابها را در کتاب *رجال* خویش آورده که به‌گفتهٔ برخی محققان غالباً *به‌واسطهٔ حلّ الاشکال* است (← همو، ۱۳۶۲ـ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۱۸، ۳۸). دیگر شاگرد وی، ابن‌داوود حلّی، نیز در کتاب *رجال* خود ــ که غالب نکات توضیحی آن از *حلّ الاشکال* است (ابن‌داوود حلّی، ستون ۴۶) ــ مطالب کتابهای رجالی پیشین، ازجمله *رجال* طوسی با رمز «جخ»، را درج کرده‌است.

ابن‌داوود حلّی به نسخهٔ اصلی *رجال* شیخ‌طوسی به خط مؤلف دسترسی داشته و در چهل مورد از آن نقل کرده‌است (ازجمله ستون ۸۲، ۱۳۳، ۱۵۲، ۲۲۶)، بیشترین نقل از *رجال* طوسی در مجلد اول و دوم *لسان‌المیزان* (نزدیک به چهارصد مورد) دیده می‌شود (نیز ← ابن‌حجر عسقلانی، ج ۴، ص ۲۵۸) که غالباً با تعبیر «رجال‌الشیعة» از آن یاد شده‌است (نیز ← ابتدای مقاله). میان منقولات وی از آن و *رجال* شیخ‌طوسی تفاوتهای چشمگیری هست، که برخی آن را نشانهٔ دسترسی ابن‌حجر به نسخهٔ کامل‌تری از این کتاب دانسته‌اند (طوسی، *فهرست*، مقدمهٔ طباطبائی، ص ۴۰ـ۴۱). اما از چنین نسخه‌ای هیچ نشان و نقلی در آثار عالمان شیعی دیده نمی‌شود، هرچند اصل *رجال* طوسی به دست ابن‌داوود حلّی رسیده‌است و برخی از عالمان خانوادهٔ شیخ‌طوسی نسخه‌هایی از کتابها را به خط وی در دست داشته‌اند (← ابن‌ادریس حلّی، ج ۳، ص ۶۰۱؛ ابن‌طاووس، *جمال‌الاسبوع*، ص ۱۶۰ـ۱۶۱؛ همو، *اقبال الاعمال*، ج ۱، ص ۱۱۴؛ همو، *فلاح‌السائل*، ص ۱۶۳). افزون‌بر این، برخی از مطالبی که ابن‌حجر به طوسی نسبت داده با سبک او در *رجال* بیگانه است، همچون ذکر شرح‌حالی مفصّل (← ابن‌حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۴۱)، طعن در امام شافعی (ج ۱، ص ۶۹)، همنشینی با مالک و ثوری (ج ۲، ص ۷۲)، داستانی دربارهٔ عبداللّه‌بن طاووس (ج ۱، ص ۳۳۳ـ۳۳۴)، نقل یک یا دو روایت از صاحب شرح‌حال (ج ۱، ص ۳۸۹، ج ۲، ص ۱۱۹)، نام بردن از کتابهای شخص (ج ۱، ص ۳۲، ۱۰۲ـ۱۰۳)، و نیز نام بردن از شمار فراوانی از راویان و استادان شخص (ج ۱، ص ۱۰۲ـ۱۰۳، ۱۱۵، ۳۳۳، ۳۷۳) که به‌ندرت در *رجال* طوسی دیده می‌شود. ازاین‌رو، احتمال اینکه این مطالب از *رجال* طوسی باشد بسیار بعید است. درنتیجه، احتمال دسترسی ابن‌حجر به نسخهٔ کامل‌تری از *رجال* پذیرفتنی نیست. می‌توان برخی از این منقولات متفاوت در *لسان‌المیزان* را حاصل خلط *رجال* شیخ با دیگر کتابهای وی همچون *فهرست* (← ابن‌حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۹۶، ش ۱۷۲؛ قس طوسی، *فهرست*، ص ۱۵، ش ۱۷) یا *اختیار معرفة الرجال* (ابن‌حجر عسقلانی، ص ۵۹۷، ش ۱۲۳۳؛ قس کشّی، ص ۲۰۴)، یا خلط آن با دیگر کتابهای رجالی همچون *رجال* نجاشی (ابن‌حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۷۲؛ قس نجاشی، ص ۲۲، ش ۳۲) دانست. ضمن آنکه تحریف نسخه‌ها و سبک ابن‌حجر عسقلانی در نقل به معنا را که گاه به دگرگونی عبارت اصلی می‌انجامد (شبیری زنجانی، ج ۱، ص ۴۲ـ۴۶)، نباید از نظر دور داشت. با این حال، این نکات همهٔ تفاوتهای موجود بین *رجال* طوسی و نقلهای ابن‌حجر را توجیه نمی‌کند؛ چه، بعضی از نامهایی که ابن‌حجر ذکر کرده (مثلاً ← ج ۱، ص ۲۳، ش ۱۷، ص ۴۷، ش ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ص ۵۶، ش ۱۴۲)، در هیچ یک از کتابهای رجالیِ موجود دیده نمی‌شود. حل این نابسامانیها درگرو توجه به این نکته است که سبک نگارش بسیاری از این اطلاعات با سبک اطلاعاتی همخوانی دارد که ابن‌حجر از *رجال‌الشیعة* علی‌بن حَکَم نقل کرده‌است؛ این دو از جهاتی مشابه‌اند؛ همچون ذکر راوی و مَرویٌّ عنه در شرح حالها (← ابن‌حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۲۹۱، ۴۸۵)، ذکر ملاقات شخص با عالمان اهل‌سنّت (ج ۲، ص ۱۴۹، ۲۹۰، قس ج ۱، ص ۱۰۱، ۶۷۰، ج ۲، ص ۱۲۶) و به کاربردن تعبیرات خاص همچون «اَسْنَدَ عن جعفرالصادق» (ج ۲، ص ۱۴۳، ۳۵۷، و مشابه آن در ج ۲، ص ۳۳۱، قس ج ۱، ص ۸۵).

نکتۀ درخور توجه اینکه هرچند ابن‌حجر از منابع شیعی همچون کتاب ابن أبی‌طیّ (متوفی ح ۶۲۵ یا ۶۳۰) و *تاریخ‌الری* منتجب‌الدین رازی (متوفی ۵۸۵) در مجلدات مختلف *لسان‌المیزان* نقل کرده، از *رجال‌الشیعۀ* علی‌بن حکم فقط در دو جلد نخست کتاب نقل کرده، همچنانکه نقل از *رجال* طوسی نیز همین‌گونه است (برای یک استثنا ــِ ابن‌حجر عسقلانی، ج ۵، ص ۹۱). از این‌رو، به نظر می‌رسد ابن‌حجر نسخه‌ای از *رجال* طوسی را در اختیار نداشته، بلکه از آن به واسطۀ *رجال‌الشیعۀ* علی‌بن حکم نقل کرده‌است، بی‌آنکه به نام این واسطه اشاره کند. گاهی نیز منقولات علی‌بن حکم از *رجال* طوسی با افزوده‌های کتاب علی‌بن حکم و مطالب آن درهم آمیخته‌است.

با دقت در نقلهای صریح ابن‌حجر از کتاب علی‌بن حکم، که در بیشتر آنها (حدود سی تن) از *رجال* طوسی هم نقل شده‌است و بیشتر راویان *رجال* علی‌بن حکم از اصحاب امامان‌اند، به نظر می‌رسد که *رجال* علی‌بن حکم در اصل، بر محور *رجال* شیخ طوسی و برای تکمیل آن نگاشته شده بوده‌است. در واقع، مؤلف با استفاده از کتب رجالی دیگر، *رجال* طوسی را تکمیل کرده و برای یافتن اطلاعات بیشتر دربارۀ شاگردان و مشایخ راویان، افزون بر اطلاعات ضمنی کتب رجالی، به کتب حدیثِ طوسی (بیش از همه *امالی* و *تهذیب‌الاحکام*) و دیگران (بیش از همه *کمال‌الدین* ابن‌بابویه) مراجعه کرده‌است. از جهت منابع حدیثیِ منقولات ابن‌حجر بین مواردی که صریحاً از علی‌بن حکم نقل کرده با مواردی که به *رجال* طوسی نسبت داده‌است و در *رجال* طوسی و دیگر کتب رجالی نیست نیز شباهت بسیاری هست و این همه مؤید این سخن است که منشأ اشکالات ابن‌حجر در نقل از *رجال* طوسی این بوده که وی به واسطۀ *رجال* علی‌بن حکم از طوسی نقل کرده‌است.

نکتۀ مهم اینکه شبیه همین اشکالات در پاره‌ای از نقلهای ابن‌حجر از نجاشی (ــِ ابن‌حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۱۰؛ قس نجاشی، ص ۱۱۲؛ ج ۲، ص ۲۱۵، ش ۲۰۴۵؛ قس نجاشی، ص ۲۱۵) و نیز در نقلهای وی از *فهرست* طوسی دیده می‌شود (ابن‌حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۸۰، ش ۲۲۴؛ قس طوسی، *فهرست*، ص ۱۸، ش ۱۳؛ ج ۱، ص ۳۳۵، ش ۱۰۳۴؛ قس طوسی، *فهرست*، ص ۴۲، ش ۵۸؛ ج ۲، ص ۲۶۲، ش ۱۰۹۸، این نام در *فهرست* شیخ طوسی نیامده و بیشتر اطلاعات آن هم در *رجال* طوسی ص ۴۲۳، ش ۶۰۹۴ وجود ندارد). در این موارد نیز سبک اطلاعات افزوده مشابه اطلاعات افزوده به *رجال* طوسی و همخوان با اطلاعات *رجال* علی‌بن حکم است و نقل از این منابع نیز تقریباً منحصر به همان دو جلد نخست *لسان‌المیزان* است (برای یکی دو استثنا ــِ ابن‌حجر عسقلانی، ج ۴، ص ۲۵۸، ش ۷۰۶، به نقل از نجاشی؛ ج ۴، ص ۱۹۱، به نقل از ابوجعفر طوسی در *مصنّفی الامامیة*).

به این دلیل، به نظر می‌رسد ابن‌حجر از این منابع به واسطۀ *رجال‌الشیعۀ* علی‌بن حکم استفاده کرده‌است. دقت در منقولات ابن‌حجر از کشّی هم نتیجه‌ای مشابه به دست می‌دهد هرچند این نقلیات از اصل *رجال کشّی** است نه از گزیدۀ شیخ طوسی، از این کتاب نیز منحصراً در همان دو جلد نخست *لسان‌المیزان* نقل شده‌است، و بین اطلاعات نقل شده از کشّی با اطلاعات برگرفته از *رجال* علی‌بن حکم و اطلاعاتی که در نقل از منابعی همچون *رجال* شیخ و *فهرست* وی و *رجال* نجاشی بر این منابع افزوده دارد، مشابهتهایی دیده می‌شود (برای نمونه ــِ ابن‌حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۸۱، ش ۳۲۲، ص ۳۹۷، ش ۱۲۵۶). بنابراین، به احتمال بسیار قسمتهایی از نقلهای ابن‌حجر از کشّی از *رجال* علی‌بن حکم گرفته شده و با مطالب اصل *رجال کشّی* درهم آمیخته شده‌است (گفتنی است که این علی‌بن حکم غیر از علی‌بن حکم‌بن زبیر است؛ ــِ دشتی، ص ۲۷۷ـ۳۰۲؛ مطهری، ص ۴۹ـ۷۱؛ قس آقابزرگ طهرانی، ج ۱۰، ص ۱۳۵).

به جز *رجال* علی‌بن حکم که می‌توان آن را شرح‌گونه‌ای بر *رجال* شیخ طوسی دانست، آثار دیگری نیز بر محور این کتاب نوشته شده‌است، از جمله: ترتیب *رجال* شیخ طوسی براساس طبقات از سیدیوسف‌بن محمدبن زین‌الدین حسینی‌شامی نگاشته به سال ۹۸۱ (نوری، ج ۳، ص ۲۸۶؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۶، ص ۶۷؛ محمدحسین حسینی‌جلالی، ج ۱، ص ۳۶۷)؛ ترتیب *رجال* شیخ طوسی براساس حروف الفبا از مولی عنایت‌اللّه قهپائی که در این کتاب به همراه ترتیب دیگر کتابهای رجالی درج شده‌است (ــِ قهپائی، ج ۱، ص ۲)؛ ترتیب *رجال* شیخ طوسی و تعلیقه بر آن از آیت‌اللّه حاج‌آقا حسین‌بروجردی* (محمدرضا حسینی‌جلالی، ۱۳۷۸ش، ص ۳۵؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۱۰، ص ۱۱۲، ج ۲۶، ص ۱۸۸)؛ حاشیۀ *رجال* شیخ طوسی از میرداماد (افندی اصفهانی، ج ۵، ص ۴۳)؛ *تعلیقة صغیرة* (برتمام *رجال* شیخ طوسی) و *تعلیقة کبیرة* (که تا نیمی از باب صحابۀ پیامبر صلی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلم را دربردارد) از آیت‌اللّه سیدموسی شبیری‌زنجانی، این دو تعلیقه هنوز چاپ نشده‌است؛ شرح *رجال* شیخ طوسی از آیت‌اللّه سیدمحمدعلی موحد ابطحی (طلائیان، ص ۲۸۷). این کتاب نیز چاپ نشده‌است؛ ترجمۀ برخی از ابواب *رجال* شیخ طوسی به عنوان کتاب تابعین که در جلد سوم *ناسخ‌التواریخ* درج شده‌است (آقابزرگ طهرانی، ج ۱۰، ص ۱۰۱). کتابهای جوامع رجالی نیز مطالب *رجال* شیخ طوسی را به همراه دیگر اصول رجالی به طور کامل نقل کرده‌اند، همچون *مجمع‌الرجال*، *نقدالرجال*، *منهج‌المقال*، *تنقیح‌المقال**، *معجم رجال‌الحدیث**. در این‌گونه کتابها گاهی، به‌ویژه در *قاموس‌الرجال**، مطالب *رجال* شیخ طوسی بررسی شده‌است.

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ ابن‌ادریس حلّی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم ۱۴۱۰ـ۱۴۱۱؛ **ابن‌بابویه**، علل الشرایع، نجف ۱۳۸۵ـ۱۳۸۶، چاپ افست قم [بی‌تا.]؛ همو، کتاب مَن لایَحْضُرُه الفقیه، چاپ علی‌اکبر غفاری، قم ۱۴۰۴؛ **ابن‌حجر عسقلانی**، لسان‌المیزان، حیدرآباد، دکن ۱۳۲۹ـ۱۳۳۱، چاپ افست بیروت ۱۳۹۰/۱۹۷۱؛ **ابن‌داوود حلّی**، کتاب الرجال، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، تهران ۱۳۸۳ ش؛ **ابن‌شهر آشوب**، مناقب آل ابی‌طالب، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم [بی‌تا.]؛ **ابن‌طاووس**، اقبال الاعمال، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۴ـ۱۴۱۶؛ همو، جمال‌الاسبوع بکمال العمل المشروع، چاپ جواد قیومی اصفهانی، [قم] ۱۳۷۱ ش؛ همو، فرج‌المهموم فی تاریخ علماء النجوم، نجف ۱۳۶۸، چاپ افست قم ۱۳۶۳ ش؛ همو، کتاب فلاح‌السائل، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، [بی‌تا.]؛ **ابن‌غضائری**، الرجال لابن الغضائری، چاپ محمدرضا حسینی‌جلالی، قم ۱۴۲۲؛ **ابن‌ندیم؛ ابونُعَیم اصفهانی**، مسند الامام ابی‌حنیفة (رحمة‌اللّه)، چاپ نظر محمد فاریابی، ریاض ۱۴۱۵/۱۹۹۴؛ محمدبن علی **اردبیلی**، جامع‌الرواة و ازاحة الاشتباهات عن‌الطرق و الاسناد، ج ۱، قم: مکتبة‌المحمدی، [بی‌تا.]؛ محمدبن علی **استرآبادی**، منهج‌المقال فی تحقیق احوال الرجال، ج ۱ و ۳، قم ۱۴۲۲؛ محسن **اعرجی**، عُدّة‌الرجال، قم ۱۴۱۵؛ عبداللّه‌بن عیسی **افندی‌اصفهانی**، ریاض‌العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱ـ۱۴۱۵؛ محمدمهدی‌بن مرتضی **بحرالعلوم**، رجال السید بحرالعلوم، المعروف بالفوائد الرجالیة، چاپ محمدصادق بحرالعلوم و حسین بحرالعلوم، تهران ۱۳۶۳ ش؛ اسماعیل **بغدادی**، هدیة‌العارفین، ج ۲، در حاجی‌خلیفه، ج ۶؛ آقامحمدعلی **بهبهانی**، مقامع الفضل، قم ۱۴۲۱؛ محمدباقربن محمد اکمل **بهبهانی**، فوائدالوحید البهبهانی، در علی‌بن حسین خاقانی، رجال الخاقانی، چاپ محمدصادق بحرالعلوم، [نجف ۱۳۸۸/۱۹۶۸]، چاپ افست [قم] ۱۴۰۴؛ علی‌بن موسی **ثقة‌الاسلام تبریزی**، مرآة‌الکتب، چاپ محمدعلی حائری، قم ۱۴۱۴ـ ؛ محمدبن حسن **حرّعاملی**، امل الآمل، چاپ احمد حسینی، بغداد [?۱۳۸۵]، چاپ افست قم ۱۳۶۲ ش؛ همو، الفوائد الطوسیة، چاپ مهدی لاجوردی حسینی و محمد درودی، قم ۱۴۰۳؛ محمدحسین **حسینی‌جلالی**، فهرس التراث، تحقیق محمدجواد حسینی جلالی، قم ۱۴۲۲؛ محمدرضا **حسینی‌جلالی**، «المصطلح الرجالی: اَسنَدَ عَنْهُ»، تراثنا، سال ۱، ش ۳ (شتاء ۱۴۰۶)؛ همو، المنهج الرجالی و العمل الرائد في الموسوعة الرجالیة لسید الطائفة آیة‌اللّه العظمی البروجردی، قم ۱۳۷۸ ش؛ **خطیب بغدادی**؛ رضا **خلخالی**، المعتمد فی شرح المناسک، تقریرات درس آیت‌اللّه خویی، ج ۴، در موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۹، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، [بی‌تا.]؛ **خویی**؛ علی‌بن عمر **دارقطنی**، المؤتلف و المختلف، چاپ موفق‌بن عبداللّه، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ محمود **دُریاب نجفی**، «'اُسند عنه' فی رجال الطوسی: معناها و دلالتها علی‌الجرح و التعدیل؟»، الفکر الاسلامی، ش ۳ و ۴ (رجب ـ ذیحجه ۱۴۱۴)؛ عبداللّه **دشتی**، «علی‌بن الحکم، و کتابه (مشایخ الشیعة)! من هو؟، و أین؟»، علوم الحدیث، ش ۲۲ (رجب ۱۴۲۸)؛ محمدجواد **شبیری**، «ارتباط رجال شیخ و رجال برقی»، در مجموعهٔ آثار سومین کنگرهٔ جهانی حضرت رضا علیه‌السلام، ۱۳۶۸ هـ.ش، ج ۲، مشهد: کنگرهٔ جهانی حضرت رضا علیه‌السلام، ۱۳۷۰ ش؛ همو، توضیح الاسناد المشکلة فی الکتب الاربعة، قم ۱۴۲۹؛ موسی **شبیری‌زنجانی**، جرعه‌ای از دریا، قم ۱۳۸۹ ش ـ ؛ **شوشتری**؛ حسن‌بن زین‌الدین **صاحب معالم**، التحریر الطاووسی، چاپ فاضل جواهری، قم ۱۴۱۱؛ همو، منتقی الجُمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان، چاپ علی‌اکبر غفاری، قم ۱۳۶۲ـ۱۳۶۵ ش؛ حسن **صدر**، نهایة الدرایة فی شرح الرسالة الموسومة بالوجیزة للبهائی، چاپ ماجد غرباوی، [قم ?۱۴۱۳]؛ فضل‌بن حسن **طبرِسی**، اعلام الوری باعلام الهدی، قم ۱۴۱۷؛ رسول **طلائیان**، مأخذشناسی رجال شیعه، قم ۱۳۸۱ ش؛ محمدبن حسن **طوسی**، الاستبصار، چاپ حسن موسوی‌خرسان، تهران ۱۳۹۰؛ همو، تلخیص الشافی، چاپ حسین بحرالعلوم، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴؛ همو، تهذیب الاحکام، چاپ حسن موسوی‌خرسان، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ همو، الجمل و العقود فی العبادات، چاپ محمد واعظزاده خراسانی، مشهد ۱۳۴۷ ش؛ همو، رجال الطوسی، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۵؛ همو، الرسائل العشر، قم [?۱۴۰۳]؛ همو، العُدَّة فی اصول الفقه، چاپ محمدرضا انصاری‌قمی، قم ۱۳۷۶ ش؛ همو، فهرست کتب‌الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم ۱۴۲۰؛ حسن‌بن یوسف **علامه حلّی**، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، چاپ جواد قیومی اصفهانی [قم] ۱۴۱۷؛ همو، قواعد الاحکام، قم ۱۴۱۳ـ۱۴۱۹؛ محمدبن حسن **فتال نیشابوری**، روضة الواعظین، قم: منشورات الرضی، [بی‌تا.]؛ عنایة‌اللّه **قهپائی**، مجمع‌الرجال، چاپ ضیاءالدین علامه اصفهانی، اصفهان ۱۳۸۴ـ۱۳۸۷، چاپ افست قم [بی‌تا.]؛ اسداللّه‌بن اسماعیل **کاظمی**، مقابس الانوار، چاپ سنگی تبریز ۱۳۲۲، چاپ افست قم [بی‌تا.]؛ محمدبن عمر **کشّی**، اختیار معرفة الرجال، [تلخیص] محمدبن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸ ش؛ ابوالهدی **کلباسی**، سماءالمقال فی علم‌الرجال، چاپ محمد حسینی قزوینی، قم ۱۴۱۹؛ **کلینی** (بیروت)؛ محمدبن اسماعیل **مازندرانی حائری**، منتهی المقال فی احوال الرجال، قم ۱۴۱۶؛ عبداللّه **مامقانی**، تنقیح المقال فی علم‌الرجال، چاپ محیی‌الدین مامقانی، قم ۱۴۲۳ـ ؛ محمدباقربن محمدتقی **مجلسی**، بحارالانوار، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ همو، ملاذالاخیار فی فهم تهذیب‌الاخبار، چاپ مهدی رجائی، قم ۱۴۰۶ـ۱۴۰۷؛ محمدتقی‌بن مقصودعلی **مجلسی**، روضة المتقین فی شرح مَن لایَحْضُرُه‌الفقیه، چاپ حسین موسوی کرمانی و علی‌پناه اشتهاردی، قم ۱۴۰۶ـ۱۴۱۳؛ جعفربن حسن **محقق حلّی**، المعتبر فی شرح‌المختصر، ج ۱، قم ۱۳۶۴ ش؛ همو، نکت‌النهایة، در محمدبن حسن طوسی، النهایة و نکتها، قم ۱۴۱۲؛ **محمدبن حسن‌بن زین‌الدین**، استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار، قم ۱۴۱۹ـ ؛ مصطفی **مطهری**، «علماء الشیعة و مصنفاتهم فی مصادر اهل‌السنة»، تراثنا، سال ۲۵، ش ۳ و ۴ (رجب ـ ذیحجه ۱۴۳۰)؛ محمدبن محمد **مفید**، الارشاد فی معرفة حجج‌اللّه علی‌العباد، قم ۱۴۱۳؛ همو، کتاب الامالی، چاپ حسین استادولی و علی‌اکبر غفاری، قم ۱۴۰۳؛ محمدباقربن محمد **میرداماد**، اثنی عشر

رسالة للمعلم الثالث، رسالهٔ ۸: *حاشیة علی‌الاستبصار*، [تهران، بی‌تا.]؛ همو، *الرواشح السماویة*، چاپ غلامحسین قیصریه‌ها و نعمت‌اللّه جلیلی، قم ۱۳۸۰ش؛ **نجاشی**؛ حسین‌بن محمدتقی **نوری**، *خاتمة مستدرک الوسائل*، قم ۱۴۱۵ـ۱۴۲۰.

/ **سید محمدجواد شبیری** /

رجال غیب، در عرفان گروهی از بندگان خاص خدا که پوشیده از انظار مردم زندگی می‌کنند. بحث رجال غیب در متون عرفانی جسته گریخته و نامنسجم مطرح شده‌است. از منظر انسان‌شناسی عرفانی، رجال غیب گاه همان اولیاءاللّه*اند که سلسله‌مراتبی دارند و تعدادشان معیّن نیست، گاه ذیل طبقهٔ اولیاءاللّه قرار می‌گیرند و تعدادشان محدود و معیّن است و گاه نه اولیاءاللّه‌اند و نه در طبقهٔ ایشان، بلکه خود در طبقهٔ ویژهٔ «ابدالان» قرار می‌گیرند و تعدادشان نیز معیّن است. بنابراین، در کتب صوفیه دو رویکرد متفاوت دربارهٔ رجال غیب وجود دارد: در یکی، غیب صفت گروهی از بندگان خداوند است و از این جهت اخیار، ابدال، ابرار، اوتاد، نقبا، نجبا، قطب، خضر، الیاس، ادریس و عیسی همه از رجال غیب‌اند و در دیگری، رجال غیب طبقه‌ای از بندگان خاص خداوند به‌شمار می‌روند (ــــ ادامهٔ مقاله).

صوفیه غالباً بحث رجال غیب را ذیل برخی احادیث نبوی آورده‌اند. براساس یکی از این احادیث، که بیشتر در کتب صوفیه نقل شده‌است، خداوند ۳۵۶ بندهٔ خاص دارد که به شش طبقهٔ سیصدتنان (اخیار)، چهل‌تنان (ابدال*)، هفت‌تنان (ابرار)، پنج‌تنان (اوتاد)، سه‌تنان (نقبا) و یک‌تن (قطب یا غوث) تقسیم می‌شوند. طبقهٔ اول از حیث قلبی در مرتبهٔ آدم، طبقهٔ دوم در مرتبهٔ ابراهیم، طبقهٔ سوم در مرتبهٔ موسی، طبقهٔ چهارم در مرتبهٔ جبرئیل، طبقهٔ پنجم در مرتبهٔ میکائیل و طبقهٔ ششم در مرتبهٔ اسرافیل‌اند. از هرطبقه هر کس بمیرد، یک تن از طبقهٔ فروتر جایگزین او می‌شود و در آخرالزمان بر سیصد تن کسی اضافه نخواهد شد، بلکه، به‌تدریج، از تعداد افراد این طبقات به ترتیب کاسته می‌شود تا به‌قطب می‌رسد و چون قوام عالم به قطب است، آنگاه که او بمیرد و کس دیگری نباشد که بر جای او بنشیند، قیامت بر پا می‌شود (هجویری، ص ۳۲۱؛ نسفی، ۱۳۵۹ش، ص ۷۹ـ۸۰؛ همو، ۱۳۴۱ش، ص ۳۱۷ـ۳۱۸؛ قس چرخی، ص ۱۷ که رجال غیب را هفت طبقه دانسته‌است).

از ویژگیهای رجال غیب این است که کسی آنها را نمی‌شناسد. شناخته نبودن آنها از آن‌روست که آنان در پردهٔ غیب و از دیدگان مردمان پوشیده‌اند و نیز، ناظر به حدیث قدسی «اولیائی تحت قِبابی لایعرفهم غیری»، آنها به‌ظاهر همچون دیگران‌اند، اما باطن ایشان آراسته به علم و تقوا و ذوق و حضور است، پس از چشم خلق پوشیده‌اند (ــــ نسفی، ۱۳۴۱ش، ص ۳۱۹؛ چرخی، ص ۱۶؛ نظام‌الدین اولیاء، ص ۱۸ـ۱۹). از دیگر ویژگیهای رجال غیب آن است که دانا، مقرب درگاه الهی، صاحب کرامت، صاحب همت و مستجاب‌الدعوه‌اند. اگر در مشرق باشند، اهل مغرب را می‌بینند و سخن آنها را می‌شنوند و اگر بخواهند در چشم بر هم‌زدنی از مشرق به مغرب می‌روند. آرامش رجال غیب به ذکر، دانش ایشان به مشاهدهٔ خدا و ذوق ایشان به لقای اوست (نسفی، ۱۳۴۱ش، ص ۳۱۸ـ۳۲۰؛ چرخی، همانجا). دربارهٔ هدایتگری آنها گفته شده که آنان شیخ و پیشوا نیستند و مردم را به دعوت و تربیت نمی‌کنند، زیرا روی آنها فقط به سوی خداست، شاید به همین سبب «عزلتیان» هم نامیده شده‌اند (نسفی، ۱۳۴۱ش، ص ۳۱۹؛ نیز ــــ چرخی، ص ۱۷)؛ اما بعضی از صوفیه اعتقاد دارند رجال غیب هر سالک شایسته‌ای را ارشاد می‌کنند و آگاه می‌سازند (نظام‌الدین اولیاء، ص ۱۸؛ زین خوافی، ص ۵۱۶).

همچنین، دربارهٔ اینکه رجال غیب یکدیگر را می‌شناسند یا نه، بعضی مانند هجویری (همانجا) عقیده دارند رجال غیب یکدیگر را می‌شناسند و در کارها به اذن هم محتاج‌اند، اما نسفی (۱۳۴۱ش، همانجا) معتقد است تنها طبقهٔ بالاتر طبقهٔ پایین‌تر خود را می‌شناسد. به‌گفتهٔ نظام‌الدین اولیاء، از بزرگان عرفای هند (متوفی ۷۲۵؛ ص ۳، ۱۸ـ۱۹)، رجال غیب نزد مشایخ صوفیه آمدوشد دارند، اما کسی جز مشایخ صوفیه آنها را نمی‌بیند (قس انصاری، ص ۴۰۳، که این را ویژگی ابدال، به‌عنوان طبقه‌ای خاص، دانسته‌است) و اگر کسی غیر از مشایخ صوفیه آنها را ببیند، به‌گونه‌ای سخن می‌گویند که کسی سخنشان را نمی‌فهمد (هجویری، ص ۳۴۰).

سهروردی نیز در مقدمهٔ *حکمة‌الاشراق* حکما را طبقه‌بندی کرده و طبقه‌ای از حکما را «امام متألّه» دانسته و ویژگیهایی برای او ذکر کرده‌است. ازجمله آنکه، امام متألّه هم در مباحث نظری و هم در مسائل باطنی تبحر دارد. به اعتقاد او، چنین کسی برای خلق ناشناخته و از چشم آنها پوشیده‌است، اما عالَم از وجود او خالی نمی‌شود. این ویژگیها تقریباً شبیه ویژگیهای رجال غیب نزد صوفیه است (ــــ *مجموعه مصنفات*، ج ۲، ص ۱۱ـ۱۲؛ نیز ــــ شهرزوری، ص ۲۸ـ۲۹؛ قطب‌الدین شیرازی، ص ۲۶ـ۲۷). به نظر می‌رسد سهروردی این مباحث را از آرای صوفیه به عالم فلسفه وارد کرده‌است.

ابن‌عربی در *الفتوحات* (ج ۲، ص ۶ـ۹) رجال غیب را یکی از طبقات رجال‌اللّه یا رجال «عالم انفاس» می‌داند و در کنار اقطاب، اوتاد، امامان، ابدال، نقبا، نجبا، حواریّون و رجبیّون قرار می‌دهد. او طبقهٔ رجال غیب را نیز به دو گروه تقسیم کرده‌است: گروه اول، از عالم ارواحِ بلندمرتبه‌اند و تعدادشان ده تن است که